



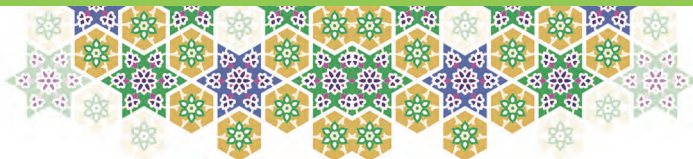
درس چهارم

حدود معاشرت محرم و نامحرم

فَجَاءَتْهُ إِحْدَاهُمَا
تَمْشِي عَلَى اسْتِحْيَاءٍ
قَالَتْ إِنَّ أَبِي يَدْعُوكَ
لِيَجْزِيَكَ أَجْرَ مَا سَقَيْتَ لَنَا

پس یکی از آن دو زن (دختران شعیب)
در حالی که با حیا راه می‌رفت،
نزد وی (حضرت موسی) آمد (و) گفت: پدرم
از شما دعوت می‌کند
تا (به نزدش بروید و او) پاداش آب دادن
(به گوسفندان ما) را به شما پرداخت کند.

۱- سوره قصص، آیه ۲۵



■ این درس نیز مانند دو درس پیشین دربارهٔ احکام اجتماعی اسلام است. در این درس با احکام مربوط به حدود ارتباطات محرم و نامحرم آشنا خواهیم شد.

مقدمه

مردم هر جامعه، اعم از مرد و زن، در زمینه‌های گوناگون با یکدیگر در ارتباط اند و در این ارتباط گاهی نیازمند گفت و گو، دیدار و تبادل نظرند. این امور شامل مسائل اقتصادی (خرید و فروش)، اجتماعی (رابطه با اقوام، همسایگان، دوستان و دیگران) و آموزشی می‌گردد. شکل این روابط در هر جامعه‌ای آداب و رسوم مربوط به خود را دارد. دین اسلام نیز در مورد نحوهٔ ارتباط صحیح و مناسب با دیگران، احکامی مقرر کرده که در اینجا برخی از آنها که مربوط به ارتباط محرم و نامحرم است مطرح خواهد شد.



الف) فلسفه تبیین حدود معاشرت

احکام و دستورات دین در حوزهٔ محرم و نامحرم که به‌عنوان «بهترین روش در تعامل افراد اجتماع»، از سوی خداوند حکیم به جهانیان ارائه شده است، جهت برقراری روابط سالم اجتماعی، تأمین سلامت روحی و روانی افراد، استحکام بنیان خانواده، و نیز حضور بدون مفسده‌ای مردان و زنان در فعالیت‌های اجتماعی وضع شده و اجرای آن موجب کاهش جرم و جنایت، مزاحمت‌های اجتماعی، اختلافات خانوادگی، و امکان حضور بدون دغدغهٔ افراد «عقیف»، «پاک» و «باغیرت»، با رعایت آراستگی ظاهری در جامعه خواهد شد.

ب) تعریف محرم و نامحرم

افراد جامعه به دو گروه «محرم» و «نامحرم» تقسیم می‌شوند؛ محرم کسی است که از بستگان نزدیک محسوب می‌شود و ازدواج با او برای همیشه ممنوع است؛ مانند پدر و مادر و برادر و خواهر. محارم می‌توانند با یکدیگر صحبت محبت‌آمیز داشته باشند، به چهره و موی دیگری نگاه بیندازند. دست دادن و دیده‌بوسی میان محارم مجاز است. «نامحرم» کسی است که معاشرت با وی محدودیت‌های شرعی و عرفی دارد و تنها با ازدواج، این محدودیت‌ها برداشته می‌شود.

ج) انواع محارم

محارم به سه گروه تقسیم می‌شوند: نسبی، سببی و رضاعی.

۱. **نسبی (خویشاوندی):** یعنی کسانی که به‌واسطهٔ خویشاوندی با انسان «محرم» می‌باشند. این گروه عبارت‌اند از: پدر، مادر، فرزند، خواهر، برادر، دایی، عمو، خاله، عمه، پدربزرگ، مادربزرگ، نوه، فرزند خواهر (خواهرزاده)، فرزند برادر (برادرزاده).
بنابراین، دخترعمو، پسرعمو، دختردایی، پسر دایی، دخترخاله، پسرخاله، دخترعمه، پسرعمه، گرچه از خویشان هستند، اما همگی «نامحرم» هستند. همچنین زن‌عمو، زن‌دایی، شوهرخاله، و شوهرعمه نیز «نامحرم» می‌باشند. «فرزندخوانده» نیز حکم فرزند حقیقی را ندارد و «نامحرم» محسوب می‌شود.

۲. **سببی:** یعنی کسانی که به‌سبب ازدواج به انسان «محرم» می‌شوند و عبارت‌اند از:

همسر، مادر همسر، پدر همسر، همسر فرزند (داماد یا عروس)، همسر پدر (نامادری)، همسر مادر (ناپدری). این محرمیت‌ها در تمام موارد دائمی است^۱، به جز زن و شوهر که در صورت طلاق، و پس از گذشت عده^۲، به یکدیگر نامحرم می‌شوند.

تذکر مهم: شوهر خواهر، زن برادر، خواهر زن، و برادر شوهر، همگی نامحرم‌اند. این را هم بدانیم که خواهر زن، با وجود اینکه نامحرم است، ازدواج با او جایز نیست، اما اگر همسر انسان فوت نماید یا طلاق صورت گیرد، ازدواج با وی جایز خواهد بود.

۳ رضاعی: یعنی کسانی که به واسطه «شیر خوردن از یک مادر، با یکدیگر محرم می‌شوند». اگر مادری بچه شیر خواره دیگری را، با شرایطی که در کتاب‌های فقهی آمده است، شیر دهد، آن کودک، فرزند رضاعی آن مادر محسوب شده، و علاوه بر محرمیت با مادر، با نوزادانی که از آن مادر شیر خورده‌اند، محرم می‌شود؛ البته این محرمیت فقط مخصوص طفل شیر خوار بوده و شامل برادر یا خواهر وی نمی‌گردد.

د) حدود و احکام ارتباط با نامحرم

۱ تماس بدنی: هرگونه تماس بدنی با نامحرم، حرام است. و فقط محارم‌اند که حق دارند در معاشرت‌های خود، با یکدیگر دست داده، روبوسی کرده و یکدیگر را در آغوش بگیرند.

۲ خلوت با نامحرم: حضور دو نامحرم در مکانی که شخص دیگری به آنجا رفت و آمد ندارد حرام است، حتی اگر برای کار خیر باشد. باقی‌ماندن در آن مکان حرام و حتی نماز خواندن در آن مکان اشکال دارد. آن دو نفر در صورت مواجه شدن با چنین شرایطی، واجب است فوراً آنجا را ترک کنند.

۳ گفت و گو: گفت و گو با نامحرم در صورت ضرورت، با رعایت حدود شرعی جایز، و بیش از حد ضرورت، مکروه است. اما ارتباط صمیمانه و دوستی با نامحرم، هرچند به قصد کسب تجربه یا همسریابی باشد، جایز نیست. روش برقراری ارتباط نیز تفاوتی ندارد؛ هرگونه نامه‌نگاری، ارتباط اینترنتی (چت)، پیامک یا گفت و گوی تلفنی، باید در چارچوب شرع باشد. فردی که قصد جدی و آمادگی لازم برای ازدواج را دارد، مجاز است با اجازه و نظارت

۱- به عنوان نمونه، محرمیت با مادرزن که حتی پس از جدایی زن از شوهر از بین نمی‌رود.
۲- عده، مدت زمانی است که زن پس از جدایی با مرگ شوهرش باید از ازدواج خودداری کند.

خانواده دو طرف، سوالات خود را از طرف مقابل بپرسد، به شرطی که از حدود شرعی خارج نشود و فضای گفت و گو از حالت عادی و رسمی خارج نگردد.

بیندیشیم و پاسخ دهیم

- ۱ چرا دین اسلام در مورد معاشرت محرم و نامحرم محدودیت‌هایی را ایجاد کرده است؟
- ۲ در صورت از بین رفتن این محدودیت‌ها چه اتفاقاتی در جامعه رخ خواهد داد؟
- ۳ بهترین راه انتخاب و شناخت همسر مناسب چیست؟

تحقیق کنید

- ۱- توجیهات برخی جوانان درباره برقراری رابطه و گفت و گو با نامحرم را بررسی کرده و با توجه به ابعاد مثبت و منفی این ارتباطات، پاسخ‌های منطقی و قابل قبولی برای آن ارائه نمایید.
- ۲- با مطالعه آیات ۲۳ الی ۲۶ سوره قصص، و با یاری از تفاسیر قرآن، حدود ارتباطات اجتماعی زن و مرد را ترسیم نمایید.
- ۳- شرایط تحقق محرمیت رضاعی را از رساله‌های توضیح المسائل استخراج و در کلاس درس ارائه کنید.



درس پنجم

احکام پوشش و نگاه

قُلْ لِلْمُؤْمِنِينَ يَغُضُّوا مِنْ أَبْصَارِهِمْ وَيَحْفَظُوا فُرُوجَهُمْ
ذَلِكَ أَزْكَى لَهُمْ إِنَّ اللَّهَ خَبِيرٌ بِمَا يَصْنَعُونَ
وَقُلْ لِلْمُؤْمِنَاتِ يَغْضُضْنَ مِنْ أَبْصَارِهِنَّ وَيَحْفَظْنَ
فُرُوجَهُنَّ وَلَا يُبْدِينَ زِينَتَهُنَّ إِلَّا مَا ظَهَرَ مِنْهَا
وَلْيَضْرِبْنَ بِخُمُرِهِنَّ عَلَى جُيُوبِهِنَّ وَلَا يُبْدِينَ زِينَتَهُنَّ
إِلَّا لِبُعُولَتِهِنَّ أَوْ آبَائِهِنَّ أَوْ آبَاءِ بُعُولَتِهِنَّ أَوْ أَبْنَائِهِنَّ أَوْ
أَبْنَاءِ بُعُولَتِهِنَّ أَوْ إِخْوَانِهِنَّ أَوْ بَنِي إِخْوَانِهِنَّ أَوْ بَنِي
أَخْوَاتِهِنَّ أَوْ نِسَائِهِنَّ أَوْ مَا مَلَكَتْ أَيْمَانُهُنَّ أَوِ التَّابِعِينَ
غَيْرِ أُولِي الْإِرْبَةِ مِنَ الرِّجَالِ أَوِ الطِّفْلِ الَّذِينَ لَمْ يَظْهَرُوا
عَلَى عَوْرَاتِ النِّسَاءِ وَلَا يَضْرِبْنَ
بِأَرْجُلِهِنَّ لِيُعْلَمَ مَا يُخْفِينَ مِنْ زِينَتِهِنَّ وَتُوبُوا إِلَى اللَّهِ
جَمِيعًا أَيُّهَا الْمُؤْمِنُونَ لَعَلَّكُمْ تُفْلِحُونَ

۱- سورة نور، آیات ۳۰ و ۳۱



به مؤمنان بگو: چشم‌های خود را (از نگاه به نامحرم‌ان) فروگیرند، و عفاف خود را حفظ کنند، این برای آنان پاکیزه‌تر است؛ خداوند از آنچه انجام می‌دهید آگاه است. و به زنان با ایمان بگو چشم‌های خود را (از نگاه هوس‌آلود) فروگیرند، و دامان خویش را حفظ کنند، و زینت خود را — جز آن مقدار که نمایان است — آشکار ننمایند و (اطراف) روسری‌های خود را بر سینه خود افکنند (تا گردن و سینه با آن پوشانده شود)، و زینت خود را آشکار نسازند مگر برای شوهرانشان، یا پدرانشان، یا پسرانشان، یا پسران همسرانشان، یا برادرانشان، یا پسران برادرانشان، یا پسران خواهرانشان، یا زنان هم‌کیششان، یا بردگانشان [کنیزانشان]، یا افراد سفیه که تمایلی به زن ندارند، یا کودکانی که از امور جنسی مربوط به زنان آگاه نیستند و هنگام راه رفتن پاهای خود را به زمین نزنند تا زینت پنهانی‌شان دانسته شود (و صدای خلخال که بر پا دارند به گوش رسد). و همگی به سوی خدا بازگردید ای مؤمنان، تا رستگار شوید!



■ در درس پیش، برخی حدود ارتباط با نامحرم مطرح گردید. در این درس با موضوع مهم در این ارتباط، یعنی «پوشش» و «نگاه» آشنا خواهیم شد.

الف) پوشش

رعایت پوشش مناسب در محیط جامعه و خانواده از وظایف یک مسلمان است. لباس علاوه بر زیبایی و حفظ بدن از آسیب‌های محیطی و گرما و سرما، نمادی از فرهنگ و شخصیت فرد است و یک نوع شعار محسوب می‌شود. به همین دلیل، انتخاب نامناسب آن می‌تواند موجب آسیب اجتماعی و نگاه نادرست دیگران گردد. آراستگی و پرهیز از ژولیدگی، جزء دستورات دین است و اولیای الهی در کنار تهذیب نفس و زیبا نمودن باطن، به دستورات دین درباره پاکیزگی و آراستگی ظاهر اهمیت می‌دادند، تا حدی که آراستگی پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله زبانه زد عام و خاص بود. پوشیدن لباس سفید، استعمال بوی خوش، شانه‌زدن مو، در کنار دستورات متعدد طهارت و شست و شو، غسل و وضو، همه نشان از پسندیده بودن این صفت در اسلام دارد.^۱ این آراستگی نیز، حدودی دارد که اگر از آن تجاوز شود، نامطلوب و گاهی مضر خواهد بود.^۲

■ احکام مشترک پوشش برای مردان و زنان

اسلام ضمن پذیرش تنوع و گوناگونی نوع پوشش در مناطق مختلف و زمان‌های گوناگون، بر حفظ وقار و شخصیت اشخاص در جامعه تأکید نموده و هماهنگی نوع لباس را با ارزش‌های اخلاقی لازم می‌داند. به همین منظور احکام ذیل وضع گردیده است:

- ۱- پوشیدن لباس شهرت که فرد را نزد مردم انگشت‌نما می‌کند حرام است.
- ۲- استفاده از لباس مختص غیرمسلمانان، گروه‌های گمراه، و افراد بدنام، غیرجایز و حرام است.
- ۳- هر پوششی که متناسب با شأن فرد نباشد و موجب وهن شخصیت او در اجتماع شود ممنوع است.
- ۴- تشبیه مرد به زن و بالعکس حرام است؛ این شبیه شدن شامل: نوع لباس، نوع آرایش مو، ابرو و سایر موارد می‌شود.

۱- برخی از این روایات چنین است: دو رکعت نماز با بوی خوش، بهتر از هفتاد رکعت نماز بدون بوی خوش است (ثواب الاعمال صدوق، ص ۳۶۲). خداوند از اینکه کسی خود را ژولیده نشان دهد بدش می‌آید (امالی طوسی، ج ۱، ص ۲۷۵). آراستگی از صفات مؤمنان است (غزرا الحکم، ج ۱، ص ۳۰۷).

۲- برای اطلاع بیشتر از آداب پوشش، به کتاب «مفاتیح الحیاة» آیت‌الله جوادی آملی مراجعه نمایید.

۵- هر نوع پوشش که موجب جلب توجه نامحرم و تحریک او می‌شود، ممنوع است.

تأمل

دربارهٔ حکمت چهارم، تأمل کرده و عواقب مراعات نشدن آن را بیان کنید.



■ پوشش زنان (حجاب)



■ فلسفهٔ حجاب

۱ **محافظة از نعمت زیبایی و ظرافت** : خداوند، زنان را از نعمت زیبایی و ظرافت بیشتری بهره‌مند ساخته است؛ این خصوصیت موجب توجه بیشتر مرد به همسر خویش و استحکام بنیان خانواده می‌شود. در مقابل، زن می‌بایست **محافظة** بیشتری از خود به عمل آورد تا این زیبایی، مورد سوء استفادهٔ دیگران قرار نگیرد. دو صفت «حیا» و «عفت» بهترین ابزار محافظت از این نعمت است که در زنان، بیش از مردان قرار داده شده است. حیا و عفت درونی، پوشش مناسب بیرونی را می‌طلبد و حجاب اسلامی، در راستای تقویت حیا و عفت گام برمی‌دارد.

۲ **جلوگیری از فروپاشی خانواده:** حفظ حریم خانواده، وظیفه همه اعضای خانواده است. بی توجهی به حجاب موجب جلب نگاه‌های ناپاک به حریم پاک خانواده، گسترش روابط نادرست بیرون خانه و متزلزل شدن خانواده می‌گردد.

۳ **حیای فطری:** انسان‌ها به‌طور فطری از نمایان شدن اندام خود و در معرض قرار گرفتن آن، حیا می‌کنند؛ لذا از دیرباز گرایش به پوشش و عفاف، کم و بیش، در میان زنان و مردان تمام اقوام و ملت‌ها وجود داشته، و امری فطری به شمار می‌رفته است. البته هر قوم آداب مربوط به خود را در پوشش داشته است. بنابراین، داشتن حجاب و پوشش مناسب محتاج استدلال نیست؛ بلکه بدپوششی و برهنگی عصر جدید جای سؤال و تعجب دارد.

برای مطالعه

علل گرایش به خودنمایی

نیاز به توجه، تحسین و پذیرش از سوی اجتماع، از نیازهای انسان است. در دوره نوجوانی، برخی نیازها پررنگ‌تر می‌شوند و بیشتر خود را نشان می‌دهند؛ مانند محبوبیت و جلب توجه.

روش صحیح به دست آوردن مقبولیت اجتماعی، تلاش علمی، خلاقیت، پشتکار، سودرسانی، مفید واقع شدن و جلب اعتماد دیگران است؛ ولی برخی با استفاده از روش‌های ناصحیح مانند: پوشیدن لباس‌های نامناسب، آرایش غلیظ، مدل‌های عجیب مو، سیگار کشیدن، و انجام رفتارهای پرخطر، به دنبال خودنمایی و جلب توجه دیگران اند.

فعالیت کلاسی

قرآن کریم مظاهر عفاف را برای مردان و زنان معرفی کرده است. آیا می‌توانید آنها را نام ببرید؟



۴ کاهش گناه و منکرات : پوشش مناسب زن علاوه بر آنکه موجب حفظ خود و امنیت خانواده می‌شود، باعث عفت بیشتر مردان و کاهش میزان گناه در جامعه می‌گردد. بنابراین، زنان نه تنها مسئول حفظ امنیت و معنویت خود هستند؛ بلکه کلیددار سلامت جامعه از فساد و فحشا و گسترش منکرات اند.

رعایت حریم‌ها و دستورات دین موجب افزایش سلامت اخلاقی جامعه، و سوق به معنویت و پاکی می‌گردد. چنین جامعه‌ای بهتر می‌تواند مسیر پیشرفت را بییماید.

۵ شناخته شدن زنان پاک : قرآن کریم یکی از فواید حجاب را شناخته شدن زنان عقیف و پاکدامن از زنان ناپاک دانسته و کاهش مزاحمت‌های اجتماعی را نتیجه آن شمرده است.

۶ افزایش آرامش روانی : با کاهش نگاه‌های بیرونی دغدغه‌های مختلف درونی در محیط کار و اجتماع به شدت کاهش یافته و آرامش روحی جایگزین می‌گردد. رقابت‌های نامناسب در محیط کاهش می‌یابد و مردان و زنان با آرامش بیشتری به کار مشغول‌اند.

۷ حضور امن در فعالیت‌های اجتماعی : یک زن متدین، با رعایت حجاب و سایر احکام معاشرت، می‌تواند در کمال امنیت در جامعه فعالیت نموده و کمترین مزاحمت را شاهد باشد. اگر حجاب نبود، زنان پاکدامن مجبور به کناره‌گیری از فعالیت‌های اجتماعی و عرصه‌های عمومی بودند. دین اسلام، راه میانه بین خانه‌نشینی زن و حضور بی‌محابای وی در جامعه را به عنوان بهترین روش حضور زن در جامعه ارائه نموده است.

۸ توجه به جنبه انسانی به جای جنبه جنسیتی : یکی از مهم‌ترین ثمرات حجاب، تغییر نگاه جنسیتی به نگاه انسانی است. در طول تاریخ، زنان همواره به دلیل جذابیت و زیبایی مورد توجه بوده‌اند. رعایت حجاب و عفاف موجب می‌شود تا توجه به جنبه انسانی وی برجسته گردد و شخصیت انسانی، جایگزین جذابیت جنسیتی شود.

با مطالعه مطالب پیشین و مراجعه به تفسیر آیه ۵۹ سوره احزاب، مصونیت‌بخشی حجاب و نقش آن در امنیت اجتماعی را تبیین نمایید.

فعالیت کلاسی



■ حجاب در سایر ادیان و دیگر ملت‌ها

در طول تاریخ، گرایش به پوشش و عفاف یک گرایش فطری در میان زنان و مردان بوده، و شکل آن، رابطه مستقیمی با سطح اعتقاد و پایبندی به اصول و ارزش‌های اخلاقی و فرهنگی آن جامعه داشته است. ادیان الهی از دیرباز بر رعایت آداب معاشرت، از جمله پوشش، تأکید ورزیده و دینداران به آن پایبند بوده‌اند. زنان یهودی و مسیحی هنگام حضور در اجتماعات، موی سر خود را می‌پوشانند و راهبه‌های مسیحی سعی در حفظ کامل حجاب دارند؛ دارا بودن حجاب کامل، نشانه عفت و پاکدامنی بیشتر و پایبندی به احکام دین و تقرب به خداوند تلقی می‌شده است.



زنان ایرانی قبل از پیدایش اسلام، عموماً پیرو آیین زرتشت بودند و با پوشش کامل در مکان‌های عمومی رفت و آمد می‌کردند. مردان ایرانی نیز همان‌گونه که در نقش‌های باستانی تخت‌جمشید نمایان است دارای لباس‌های بلند، و کلاهی جهت پوشش موی سر بوده‌اند. تالار زنان نیز از مردان جدا بوده است.

■ **حجاب در اسلام:** دین اسلام نیز مانند ادیان قبل از خود، بر رعایت پوشش و عفاف تأکید کرده و حدود آن را کامل‌تر و دقیق‌تر تبیین نموده است. در آیه ۳۱ سوره نور می‌خوانیم:

وَلَا يُبْدِينَ زِينَتَهُنَّ إِلَّا مَا ظَهَرَ مِنْهَا
وَلِيَضْرِبْنَ بِخُمُرِهِنَّ عَلَى جُيُوبِهِنَّ
و زینت‌های خود را آشکار نسازند،

مگر آن (زینتی) که (به طور طبیعی) ظاهر و آشکار است؛ (مانند چهره)؛
و باید روسری خود را بر روی سینه و گریبان خویش بیندازند.

■ **حدود حجاب برای زنان:** زنان موظف‌اند پوشش خود را به گونه‌ای تنظیم نمایند که علاوه بر موی سر، گریبان و گردن آنها را هم بپوشانند، و به‌جز صورت و دو دست (از مچ تا سر انگشتان)، می‌بایست تمام بدن خود را از نامحرم بپوشانند. البته صورت و دست‌ها نیز با دو شرط می‌تواند بدون پوشش باشد:

۱- نداشتن زینت و آرایش،

۲- نداشتن مفسده.

حجاب، فقط پوشاندن ظاهر اندام‌ها نیست؛ بلکه پوشاندن حجم اندام‌ها و پرهیز از امور تحریک‌کننده را نیز شامل می‌شود. بنابراین، پوشیدن لباس‌های تنگ و چسبان و رنگ‌های تحریک‌کننده جایز نیست. بهترین نوع پوشش که حجم بدن را نیز می‌پوشاند «چادر» است که از دیرباز انتخاب زنان ایرانی و مسلمان بوده است.

ب) نگاه

از دیگر احکام معاشرت محرم و نامحرم، رعایت حدود نگاه است. در عرصه اجتماع، نگاه حدودی دارد که رعایت آن موجب حفظ حریم شخصی دیگران، و پاک ماندن دل می‌گردد.

با تأمل در آیه ۳۱ سوره نور نکات زیر به دست می‌آید:

۱- مردان وظیفه دارند از نگاه به زنان نامحرم خودداری کنند.

۲- خودداری از نگاه به نامحرم، موجب سالم ماندن قلب از آلودگی و دور شدن انسان از لغزش می‌شود.

۳- زنان نیز وظیفه دارند از نگاه غیر ضروری به نامحرم بپرهیزند و دامان خود را از نگاه حفظ نمایند.

■ حدود نگاه:

۱- به جز زن و شوهر، نگاه به افراد دیگر به قصد لذت‌جویی حرام است؛ خواه محرم باشد یا نامحرم، مرد باشد یا زن، کودک باشد یا بالغ، پیر باشد یا جوان، نگاه به صورت باشد یا عضوی دیگر.

- ۲- نگاه کردن به صورت زن نامحرم، در صورتی که زن آرایش نداشته باشد و مرد قصد لذت نداشته باشد، جایز است. هرچند بهتر است در موارد غیر ضروری از نگاه به صورت نامحرم پرهیز شود (به خصوص در مورد جوانان).
- ۳- نگاه به حریم خصوصی دیگران، (مانند نگاه به داخل منزل، اسناد، موبایل و...) تجسس محسوب شده و حرام است.
- ۴- نگاه به مو و بدن محارم، بدون قصد لذت جایز است، اما شایسته این است که اعضای بدن در حد معمول پوشانده شود، به ویژه در مقابل جوان و نوجوان.
- ۵- نگاه به تصویر نامحرم، اگر نگاه کننده، او را بشناسد نیز مانند نگاه مستقیم به او جایز نیست.

در خصوص نگاه به زنان مسلمان و غیرمسلمان در فیلم‌ها و سریال‌های خارجی به فتوای مرجع تقلید خود مراجعه کنید.

فعالیت کلاسی



چند مسئله

- ۱- همان‌طور که نظر کردن مردان به بدن زنان مجاز نیست، نگاه کردن زنان به بدن مرد نیز حرام است.
- ۲- در صورتی که مرد با رعایت نکردن پوشش مناسب موجب به گناه افتادن دیگران شود واجب است خود را بپوشاند.
- ۳- در صورتی که معالجه به وسیلهٔ پزشک مُماتِل (= هم‌نوع) میسر باشد، معاینه توسط پزشک غیرمماثل جایز نیست، و پزشک محرم محسوب نمی‌شود. در صورت عدم دسترسی به پزشک هم‌جنس، و در صورت اضطرار، به شرطی نگاه و لمس اعضای بدن نامحرم، جایز است که برای معالجه نیاز به نگاه یا لمس، ضروری بوده و از طریق غیرمستقیم (مانند به‌کارگیری ابزار) ممکن نباشد. در صورتی که معالجه فقط از طریق نگاه بدون نیاز به لمس، و یا با لمس بدون نگاه میسر است باید به همان اکتفا شود. در هر صورت، پزشک باید فقط به مقدار ضرورت اکتفا کند و تعدی از آن جایز نیست؛ (مثلاً اگر معاینه با دستکش انجام‌پذیر است، به همان اکتفا کند).

بیندیشیم و پاسخ دهیم

۱. مزیت‌های پوشش مناسب نسبت به پوشش نامناسب چیست؟
۲. عوامل گرایش به بدحجابی چیست؟
۳. مدگرایی چه آثار سوئی می‌تواند به دنبال داشته باشد؟
۴. ارتباط رعایت حجاب را با افزایش امنیت و رضایت از زندگی شرح دهید.
۵. ارتباط بدحجابی را با افزایش طلاق و جرم و جنایت توضیح دهید.

تحقیق کنید

- ۱- درباره عواقب نگاه آلوده و تأثیر آن در ارتکاب گناه مقاله‌ای تهیه کنید و در کلاس مطرح نمایید.
- ۲- بی‌توجهی برخی جوامع مسیحی به امر پوشش بدن و موی سر از چه زمانی آغاز گردیده و چه عللی داشت؟
- ۳- درباره کشف حجاب در دوران پهلوی و برنامه استعمار در ترویج بی‌حجابی مقاله‌ای تهیه و در مدرسه ارائه نمایید.



دستششم

تفریح، قمار، موسیقی

امام کاظم علیه السلام :

اجتهدوا فی أن یكونَ زمانُکم أربعَ ساعاتٍ؛ ساعةً لمُنَاجاةِ
اللهِ و ساعةً لِأمرِ المَعاشِ و ساعةً لِمُعاشرةِ الإخوانِ و الثِّقاتِ
الَّذینَ یَعرفونَکم غیوبَکم و یُخْلِصونَ لَکم فی الباطِنِ و
ساعةً تَخلونَ فیها لِذاتِکم فی غیرِ مُحَرَّمٍ و بِهذهِ السَّاعةِ
تَقْدِرونَ عَلی ثلاثِ ساعاتٍ^۱.

تلاش کنید که اوقاتان شامل چهار بخش باشد :

زمانی برای مناجات با خداوند،

و زمانی برای کسب روزی و امرار معاش،

زمانی برای دیدار و گفت‌وگو با برادران دینی و افراد مورد اعتماد که

عیب‌هایتان را گوشزد و قلباً با شما مخلص و بکرو هستند،

و زمانی نیز برای بهره‌مندی از لذت‌های حلال؛

و به واسطه این زمان است که توانایی استفاده از سه زمان

دیگر را به دست می‌آورید.

۱- کتاب تحف العقول، ص ۴۰۹



■ آخرین مبحث از احکام اجتماعی که مورد بررسی قرار خواهد گرفت، درباره تفریحات سالم و ناسالم است، که از آن موارد، به احکام ورزش، بازی، قمار و موسیقی اشاره خواهیم کرد.

استراحت و تفریح

دین اسلام علاوه بر توجه به معنویت، مشوق سلامت جسمانی و شادی و رضایت روحی است. یک دین کامل زمانی تحقق می‌یابد که نه تنها برای سعادت اخروی، بلکه برای زندگی دنیوی انسان نیز برنامه و دستور داشته باشد. در نظام معرفتی اسلام، دنیا متاعی برای ساختن آخرت است و برای بهره‌مندی صحیح از آن باید برنامه‌ریزی نمود.

همانگونه که جسم انسان از کار و تلاش خسته می‌شود و به استراحت نیاز دارد، روح آدمی نیز نیازمند تجدید قوا و محتاج نشاط است. «اوقات فراغت» زمان‌هایی است که انسان جهت استراحت تن و بازپروری روح، دست از کار روزانه می‌شوید و با پرداختن به امور نشاط‌آور و مفید، نیرویی دوباره جهت ادامه تلاش و کار به دست می‌آورد.

همان‌گونه که سال قبل خواندیم ارتباط روح با جسم و تأثیر آن‌دو بر یکدیگر، لزوم توجه به هر دو بُعد را نمایان می‌سازد؛ و نیک گفته‌اند که: «عقل سالم در بدن سالم است». توجه اسلام به سلامتی و بهداشت، و دستورات گوناگون آن؛ شامل: طهارت و نجاست، مستحبات و مکروهات، و حرمت استفاده از برخی مواد مضر برای سلامتی بدن، همگی نشان از توجه به سلامتی جسم در کنار توجه به خودسازی و سلامتی روح دارد.



استفاده صحیح از اوقات عمر، از دستورات مؤکد اسلام برای زندگی سالم و ببرکت است. در این میان، ساعاتی را باید به کار و کسب یا تحصیل علم و دانش اختصاص داد، ساعاتی را برای عبادت و ارتباط با پروردگار، ساعاتی برای خواب و استراحت، و ساعاتی نیز جهت تفریح و شادی مشروع و حلال.

ساعات تفریح و استراحت، در حقیقت زمینه‌ساز آمادگی برای دیگر ساعات است. انسانی که در زندگی هدفمند است و خواهان بهره‌وری از سرمایه بزرگ عمر است، با برنامه‌ریزی و تفکر صحیح، اوقات فراغت خود را به نحو مناسب پر کرده و خستگی را از جسم و روح می‌زداید.

اسلام و تفریح

اسلام با تفریح و شادی که موجب نشاط و شادابی در کار و زندگی شود، نه تنها مخالف نیست؛ بلکه در روایات، به اختصاص ساعاتی از روز به آن توصیه شده است. البته تفریح و شادی که اسلام به آن سفارش نموده، کارهایی مانند ورزش و سفر است که موجب نشاط جسم و روح می‌شود و اگر کاری باعث ضربه زدن به جسم یا روح شود، جایز نیست؛ لذا در اسلام، بازی با آلات قمار و گوش دادن به موسیقی‌های مبتذل و استعمال مواد مخدر که برخی جوانان امروز به عنوان راه تفریح انتخاب کرده‌اند، حرام است؛ زیرا موجب ضرر به جسم یا روح جوان می‌شود.

یکی از بازی‌های رایانه‌ای یا تفریحات متداول امروزه را انتخاب نموده و فواید و مضرات آن را بنویسید.

پیشنهاد



الف) ورزش: ورزش و تحرک جسمانی، علاوه بر تقویت و سالم‌سازی قوای جسمی، موجب نشاط و سلامت روحی می‌شود. در دین اسلام نیز ضمن توصیه به کار و فعالیت، به امر ورزش توجه خاصی شده است که در این میان، ورزش شنا از جایگاهی خاص برخوردار بوده و «بهترین سرگرمی مؤمن» معرفی شده است.

البته اعتدال و میانه‌روی در همه کارها، از جمله ورزش مورد سفارش اسلام است؛ زیرا توجه بیش از اندازه به ورزش یا پیگیری بازی‌های ورزشی، مانع توجه لازم به درس یا دیگر وظایف فردی و خانوادگی می‌شود.



ب) قمار و شرط‌بندی: قمار یکی از تفریحات ناسالم و حرام است. قمار عبارت است از بازی با وسایل مخصوص (آلات قمار) به قصد بُرد و تصاحب پول دیگری البته بازی با این وسایل به قصد بازی و سرگرمی نیز حرام است، حتی اگر پای برد و باخت در میان نباشد و پولی ردّ و بدل نشود.^۱

جدا از بازی قمار، شرط‌بندی (به معنای عرفی آن) نیز حرام است و پول حاصل از آن نامشروع بوده و تصرف در آن جایز نیست (حتی اگر با رضایت دو طرف باشد).

نشستن در مجلسی که در آن قمار انجام می‌شود نیز ممنوع و حرام است؛ این کار علاوه بر

۱- بازی شرط‌بندی که گفته می‌شود امروزه از ابزار مخصوص قمار خارج شده و جنبه بازی فکری پیدا نموده است، بنا به فتوای برخی از مراجع (مانند حضرت امام) بلاشکال و بنا بر فتوای برخی علما، کماکان حکم قمار را داشته و حرام است. اما بازی با دیگر ابزار قمار که هنوز مصداق قمار دارند (مانند پاسور)، به فتوای تمام فقها حرام است، حتی اگر فقط به قصد سرگرمی و بازی انجام شود.

تأیید و تشویق آنان به ادامه و تکرار گناه، تأثیرات روحی – معنوی نامطلوبی بر اشخاص حاضر در مجلس می‌گذارد. وظیفه شخص در این گونه موارد، ابتدا موعظه و نهی از منکر، و در صورت تأثیر نداشتن، ترک مجلس گناه است.

يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا إِنَّمَا الْخَمْرُ وَالْمَيْسِرُ وَالْأَنْصَابُ وَالْأَزْلَامُ
 رِجْسٌ مِّنْ عَمَلِ الشَّيْطَانِ فَاجْتَنِبُوهُ لَعَلَّكُمْ تُفْلِحُونَ.
 إِنَّمَا يُرِيدُ الشَّيْطَانُ أَنْ يُوقِعَ بَيْنَكُمُ الْعَدَاوَةَ وَالْبَغْضَاءَ فِي
 الْخَمْرِ وَالْمَيْسِرِ وَيُضِدَّكُمْ عَن ذِكْرِ اللَّهِ وَعَنِ الصَّلَاةِ فَهَلْ أَنْتُمْ
 مُنْتَهُونَ^۱

ای کسانی که ایمان آورده‌اید، شراب و قمار و بت‌ها و تیرهای قرعه [نوعی بخت‌آزمایی]، پلیدند و از عمل شیطان‌اند، از آنها دوری گزینید تا راستگارشوید. همانا شیطان می‌خواهد در میان شما عداوت و کینه ایجاد کند، به وسیله شراب و قمار، و شما را از یاد خدا و نماز باز دارد. آیا (با این همه زیان و فساد، و با این نهی اکید) خودداری خواهید کرد؟

با توجه به مضمون آیه زیر، حکمت تحریم قمار را بیان نموده و عواقب آن را توضیح دهید.

فعالیت کلاسی



ج) موسیقی: لذت بردن از آواز خوش، جزو خصوصیات ذاتی انسان است. قرائت قرآن با صدای خوش و گفتن اذان با صوت دلنشین مورد سفارش اسلام است.

قَالَ النَّبِيُّ ﷺ:

لِكُلِّ شَيْءٍ حَلِيَّةٌ وَحَلِيَّةُ الْقُرْآنِ الصَّوْتُ الْحَسَنُ.

هر چیزی زینتی دارد و زیبایی بخش قرآن، صوت زیباست.^۲

۱- سوره مائده، آیات ۹۰ و ۹۱

۲- اصول کافی، ج ۲، ص ۶۱۵



- موسیقی عبارت از نوای خوشی است که از حنجرهٔ انسان یا ابزار خاص تولید شده و گونه‌های مختلفی دارد. موسیقی به دو دسته حلال و حرام تقسیم می‌گردد.
- معیارهای تشخیص موسیقی حرام عبارت‌اند از:
- ۱- هرگونه آوازی که ریتم یا محتوای آن مخصوص مجالس گناه باشد.
 - ۲- هرگونه ساز موسیقی که مخصوص مجالس لهو و لعب باشد.
 - ۳- هرگونه موسیقی که محتوای باطل، کفرآمیز یا تحریک‌کننده داشته باشد.
 - ۴- شنیدن آواز زن نامحرم که موجب مفسده گردد.

بیندیشیم و پاسخ دهیم

- ۱ «اوقات فراغت» خود را چگونه صرف می‌کنید؟ چه مقدار از آن مفید است؟
- ۲ روش‌های «شاد زیستن» را برشمارید. مهم‌ترین عامل احساس شادمانی چیست؟
- ۳ برخی از تفریحات کم‌هزینه و در دسترس را نام ببرید.
- ۴ برخی ضررهای گوش کردن به موسیقی را نام ببرید.



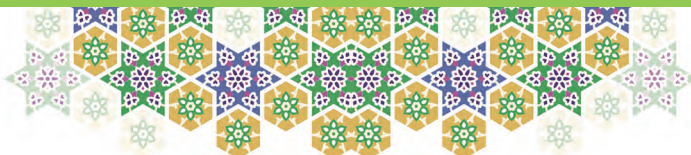
درس هفتم

زکات

خُذْ مِنْ أَمْوَالِهِمْ صَدَقَةً
تُطَهِّرُهُمْ وَتُزَكِّيهِمْ بِهَا وَصَلِّ عَلَيْهِمْ
إِنَّ صَلَاتَكَ سَكَنٌ لَهُمْ
وَاللَّهُ سَمِيعٌ عَلِيمٌ^۱

از اموال آنها صدقه‌ای (به‌عنوان زکات) بگیر،
تا بدین وسیله، آنها را پاک‌سازی و پرورش دهی و
(به‌هنگام گرفتن زکات،) برای آنها دعا کن که دعای تو،
مایه آرامش آنهاست و
خداوند شنوا و داناست.

۱- سورة توبه، آیه ۱۰۳



■ درس‌های قبلی به احکام اجتماعی اختصاص داشت. از این درس به بعد، با احکام اقتصادی اسلام آشنا خواهیم شد. اولین مبحث مربوط به زکات است.

معنای زکات

کلمه «زکات» در زبان عربی دو معنا دارد: ۱- زیاد شدن؛ ۲- پاک شدن. اصطلاح «زکات» در فقه اسلامی به معنای جدا ساختن بخشی از اموال و پرداخت آن به نیازمندان و صرف در امور خیر است. پرداخت زکات مانند جدا کردن شاخه‌های زائد از درخت، موجب پر بار شدن آن می‌گردد. همچنین سبب پاک شدن مال به سبب ادای حق محرومان می‌شود.



اهمیت و فایده زکات

براساس روایات، اهمیت زکات آن‌قدر زیاد است که بدون پرداخت آن، نماز انسان مقبول حق واقع نمی‌شود.^۱ و فقری گرسنه نماند مگر به خاطر کوتاهی مردم در ادای زکات؛ و مالی در خشکی یا دریا از بین نرفت مگر به سبب پرداخت نکردن زکات.^۲ پرداخت زکات مانند سایر انفاق‌ها، غیر از آثار مادی، یعنی سیر کردن گرسنگان و رفع حاجت نیازمندان، آثار معنوی دیگری نیز به همراه دارد، مانند برکت یافتن مال، حفظ دارایی از بلا، پاکیزگی روح و توفیقات معنوی.

۱- امام باقر علیه السلام: مَنْ آقَامَ الصَّلَاةَ وَلَمْ يُؤْتِ الزَّكَاةَ لَمْ يُقِمِ الصَّلَاةَ. (کافی، ج ۳، ص ۵۰۶).
۲- امام صادق علیه السلام. (کتاب من لا یحضره الفقیه، ج ۲، ص ۷).

پیامبر اکرم صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ می فرماید :

إِذَا مَنْعُوا الزَّكَاةَ مَنَعَتِ الْأَرْضُ بَرَكَتَهَا
مِنَ الزَّرْعِ وَالنِّمَارِ وَالْمَعَادِنِ كُلِّهَا.^۱

هنگامی که مردم از پرداخت زکات خودداری کنند، زمین نیز برکت خویش را از محصولات کشاورزی، میوه درختان و معادن گوناگون دریغ می کند.

زکات، عامل افزایش اموال

مردم همواره دوستدار افزایش دارایی خود می باشند. برخی با کار و تلاش سالم، و برخی با بخل، برخی با دریافت سود بیش از حد، و برخی با رباخواری. به تصور بسیاری از مردم، پرداخت زکات موجب خسارت مالی و کاهش سرمایه است^۲، در حالی که خداوند روزی آفرین و روزی ده، راه افزایش دارایی را پرداخت قسمتی از مال خود به نیازمندان اعلام نموده و رباخواری را موجب زیان و خسارت معرفی می نماید؛ زیرا که خداوند، خیر و برکت را از ربا برداشته و به زکات منتقل نموده است.

يَمَحَقُ اللَّهُ الرِّبَا وَيُرْبِي الصَّدَقَاتِ^۳

خداوند، ربا را نابود می کند و صدقات را افزایش می دهد.

چگونه ممکن است زکات و انفاق موجب افزونی مال شود، ولی رباخواری موجب افزایش نشود؟ احتمالات گوناگون را در معنای آیه بررسی کنید. می توانید از تفسیر المیزان کمک بگیرید.

فعالیت کلاسی



۱- کتاب کافی، ج ۲، ص ۳۷۴

۲- «وَمِنَ الْأَعْرَابِ مَنْ يَتَّخِذُ مَا يُنْفِقُ مَغْرَمًا»؛ یعنی «و گروهی از اعراب آنچه را انفاق می کنند زیان تلقی می کنند»، «سوره توبه، آیه ۹۸»

۳- سوره بقره، آیه ۲۷۶

موارد تعلق زکات مالی

زکات بر نه چیز واجب است :

- (الف) غلات و محصولات کشاورزی : ۱- گندم ۲- جو ۳- خرما ۴- انگور (کشمش، مویز)
 (ب) دامها : ۵- شتر ۶- گاو ۷- گوسفند
 (ج) سکه‌ها (نقدین) : ۸- طلا ۹- نقره.

حد نصاب در زکات

زکات اموال مذکور در صورتی واجب است که به حد معین یا تعداد خاصی برسد، که به آن «حد نصاب» می‌گویند. و اگر کمتر از آن باشد، زکاتش واجب نیست. هر یک از این اموال نه‌گانه، حد نصاب‌های خاص خود را دارد.

برای مطالعه

به‌طور نمونه، اولین حد نصاب گوسفند ۴۰ رأس است؛ یعنی اگر دامدار کمتر از چهل گوسفند داشته باشد، در آن سال زکات بر او واجب نیست. در صورت داشتن ۴۰ تا ۱۲۰ گوسفند، یک گوسفند را باید به عنوان زکات پردازد. حد نصاب دوم گوسفند، ۱۲۱ تا ۲۰۰ است و در ازای آن، باید دو گوسفند بدهد. حد نصاب سوم، ۲۰۱ است، و به همین ترتیب. **حد نصاب‌ها :**

نوع	نصاب اول	میزان زکات	نصاب دوم	میزان زکات	نصاب سوم	میزان زکات	نصاب چهارم	میزان زکات
گوسفند	۴۰ رأس	یک گوسفند	۱۲۱ رأس	دو گوسفند	۲۰۱ رأس	سه گوسفند	۳۰۱ رأس	۴ گوسفند
شتر	۵ نفر	یک گوسفند	۱۰ نفر	دو گوسفند	۲۵ نفر	پنج گوسفند	۲۶ نفر	یک شتر دوساله
گاو	۳۰ رأس	یک گوساله دوساله	۴۰ رأس	یک گوساله سه‌ساله	۶۰ رأس	دو گوساله دوساله
گندم، جو، خرما، کشمش	۸۵۰ کیلوگرم	در صورت آبیاری به‌صورت دیمی یا قنات، $\frac{1}{10}$ در صورت آبیاری با دست یا چاه، $\frac{1}{20}$						
سکه طلا	۱۵ منقال	یک چهارم						
سکه نقره	۱۰۵ منقال	یک چهارم						

مصرف زکات

زکات در هشت مورد مصرف می‌شود.

إِنَّمَا الصَّدَقَاتُ لِلْفُقَرَاءِ وَالْمَسْكِينِ
وَالْعَامِلِينَ عَلَيْهَا وَالْمُؤَلَّفَةِ قُلُوبُهُمْ
وَفِي الرِّقَابِ وَالْغَارِمِينَ وَفِي سَبِيلِ اللَّهِ وَابْنِ السَّبِيلِ فَرِيضَةً
مِّنَ اللَّهِ وَاللَّهُ عَلِيمٌ حَكِيمٌ^۱

مصرف صدقات برای نیازمندان، مستمندان، متصدیان (وصول و پخش) آن،
دلجویی‌شدگان، آزاد کردن بردگان، بدهکاران، انفاق در راه خدا و در راه
ماندگان واجب شده است، خداوند دانای حکیم است.

۱ فقرا: فقیر فردی است که در اثر نداشتن شغل یا پیشامدهای ناگوار زندگی، یا کثرت افراد تحت تکفل، دچار کمبود درآمد است، و امکان پرداختن به کار بهتر را نیز ندارد. در نتیجه نمی‌تواند خرج سال خود و عائله‌اش را در حد حفظ آبرو و متناسب با شأن اجتماعی خویش به دست آورد.

با توجه به آیه ۲۷۳ سوره بقره، پنج مشخصه نیازمندان واقعی را استخراج نمایید.

فعالیت کلاسی



۲ مساکین: مسکین به فردی اطلاق می‌شود که به عللی مانند نقص عضو، بیماری، یا پیری، خانه‌نشین شده و قدرت کسب مخارج سالانه خود و خانواده‌اش را ندارد.

۱- سوره توبه، آیه ۶۰

۳ **عاملان** : کسانی هستند که مأمور گرفتن، نگهداری و محاسبهٔ زکات اند. سهمی از زکات به عنوان حق الزحمه به آنان پرداخت می‌شود.

۴ **ایجاد اُفت** : قسمتی از زکات به کفار و مسلمانانی که عقایدشان ضعیف است اعطا می‌شود تا علاقه مند به اسلام شده و با دشمنان متحد نشوند.

۵ **آزادی بندگان** : در صورت وجود انسان‌های دربند یا برده، سهمی از زکات جهت رها نمودن آنان از بند اسارت (وزندان) پرداخت می‌گردد.

۶ **بدهکاران** : از دیگر مصارف زکات، پرداخت بدهی و قرض افرادی است که بر اثر ورشکستگی (نه از روی سستی و کوتاهی)، قادر به پرداخت بدهی خود نیستند.

۷ **در راه خدا** : هرچه مربوط به مصالح عمومی جامعه و مسلمانان بوده و نیز هر چه موجب اعتلای اسلام و از بین رفتن فساد و فتنه از حوزهٔ اسلام یا مسلمانان می‌شود، از این قسم محسوب می‌گردد.

۸ **در راه ماندگان** : به مسافرانی که به علتی در غربت دچار بی‌پولی شده‌اند، از زکات به مقداری که آنها را به مقصد برساند پرداخت می‌گردد.

تذکر : صدقه بر دو نوع است : واجب (زکات) و مستحب. غیر سید نمی‌تواند به سید زکات (صدقهٔ واجب) دهد. ولی پرداخت صدقهٔ مستحبی به سادات اشکال ندارد.

چند مورد از تفاوت‌های زکات با مالیات را بیان نمایید.

فعالیت کلاسی



زکات بدن (فطریه)

این نوع از زکات، بنا به روایات، متمم روزه ماه مبارک رمضان است. مسلمانان مقارن با فرارسیدن عید فطر، و به پاس نعمت سلامتی و توفیق روزه‌داری، مقداری گندم یا خرما به نیازمندان می‌دهند تا آنان نیز در این روز بزرگ عیدی بگیرند.

مقدار زکات فطره: به ازای هر نفر، سه کیلوگرم گندم یا برنج یا خرما یا هر غذای متداول منطقه یا بهای آن به نیازمندان مؤمن پرداخت می‌گردد. فطریه غیر سادات نیز به سادات فقیر تعلق نمی‌گیرد.

زمان پرداخت: از غروب شب عید تا ظهر روز عید فطر. کسانی که امکان حضور در نماز عید را دارند، پیش از نماز عید باید آن را بپردازند یا از مال خود کنار بگذارند.

شرایط وجوب: افرادی که فقیر نیستند، واجب است فطریه خود و افراد تحت تکفل (نان‌خور) خویش، حتی نوزاد را پرداخت نمایند. کسی که فطریه‌اش بر دیگری واجب است، از عهده وی ساقط می‌شود، حتی اگر غنی باشد. و اگر بداند که سرپرست خانواده، زکات وی را نپرداخته یا فراموش کرده، پرداخت زکات بر وی واجب نیست، هر چند احتیاط مستحب این است که به جای آنها پرداخت کند.



بیندیشیم و پاسخ دهیم

۱ ارتباط میان خشکسالی و سیل را با پرداخت نکردن زکات چگونه توجیه می‌کنید؟

۲ اگر مردم مقید به پرداخت زکات باشند وضعیت جامعه چه تغییراتی خواهد نمود؟

تحقیق کنید

آثار فردی - اجتماعی پرداخت زکات، و آثار منفی بی‌توجهی به آن را بررسی و به عنوان یک کار تحقیقی در کلاس ارائه دهید.





درس هشتم

خمس

وَاعْلَمُوا أَنَّمَا غَنِمْتُمْ مِنْ شَيْءٍ
فَإِنَّ لِلَّهِ حُمْسَهُ، وَلِلرَّسُولِ وَلِذِي الْقُرْبَىٰ
وَالْيَتَامَىٰ وَالْمَسَاكِينِ وَابْنِ السَّبِيلِ
إِنْ كُنْتُمْ آمَنْتُمْ بِاللَّهِ ...

و بدانید هر گونه غنیمتی به دست آورید،
یک پنجم آن برای خدا، و برای پیامبر، و برای خویشان (او)
و یتیمان و مسکینان و واماندگان در راه (آنها) است،
اگر به خدا ایمان آورده اید ...

۱- سورة انفال، آیه ۴۱



■ درس گذشته درباره زکات بود و این درس درباره برخی احکام خمس است.

خمس چیست؟

«خمس» در لغت به معنای یک پنجم، و در اصطلاح شرعی به معنای جدا کردن یک پنجم از مازاد درآمد سالیانه و پرداخت آن به امام معصوم است. امام نیز آن را در موارد معین شرعی به مصرف می‌رساند. در زمان غیبت که به امام معصوم علیه السلام دسترسی نیست، مسئولیت وجوه شرعی بر دوش جانشینان عام وی، یعنی ولی فقیه یا مراجع تقلید است.

خمس و زکات، در حقیقت پرداخت قسمتی از همان مالی است که خداوند متعال به انسان عنایت نموده و جهت رفع نیازهای جامعه به کار گرفته می‌شود. بنابراین، انجام این وظیفه نه تنها متنی بر خدا و رسولش نیست؛ بلکه لطفی از سوی پروردگار است که موجب رفع فقر، کاهش فاصله طبقاتی، رشد جامعه، پاکی مال و روح انسان‌ها می‌گردد.

تصرف در مالی که به آن خمس تعلق گرفته جایز نیست و قبل از هرگونه تصرف باید خمس آن را جدا نمود. همین‌طور در مورد ارث، در صورتی که مشمول پرداخت خمس باشد، قبل از تقسیم بین ورثه باید خمس آن محاسبه و پرداخت گردد.

مصرف خمس

مطابق دستور الهی، نیمی از خمس، سهم امام معصوم و نیم دیگر سهم سادات فقیر است. سهم امام صرف نیازهای جامعه و مصالح اسلام و مسلمانان، مانند ساخت مسجد و مراکز دینی، تربیت مبلغان دینی و امور فرهنگی می‌شود. سهم دیگر، متعلق به سادات نیازمند است؛ چون خداوند برای تکریم و عزت پیامبر صلی الله علیه و آله و ذریه و فرزندان، دریافت صدقه و زکات را بر آنان حرام کرده است که البته فقط به اندازه احتیاج سالانه به آنان پرداخت می‌شود. در هر دو مورد، خمس باید توسط حاکم شرع (ولی فقیه یا مرجع تقلید) یا تحت نظر وی و با اجازه ایشان مصرف شود.

فلسفه نظارت حاکم شرع و مدیریت واحد مصرف خمس چیست؟
در صورت غیرمتمرکز شدن مصرف وجوهات، چه معایبی ممکن
است در جامعه رخ دهد؟



موارد تعلق خمس

به هفت مورد، خمس تعلق می‌گیرد. در اینجا ما فقط به دو مورد که کاربرد بیشتری دارد خواهیم پرداخت.

برای اطلاع از دیگر موارد و احکام آنها، به رساله‌های توضیح المسائل و دیگر کتب فقهی مراجعه نمایید.

۱ در آمد بیش از هزینه‌های سالیانه (مَثونَه): افراد جامعه با شغل‌های مختلف درآمدهای متفاوتی دارند؛ گاهی درآمد فرد، کفاف نیازهای اولیه و ضروری وی در زندگی را نمی‌دهد. در این صورت دیگران وظیفه دارند به وی کمک کنند تا از فقر نجات یابد. گاهی وضعیت مالی فرد به گونه‌ای است که محتاج دیگران نیست، ولی درآمدش بیشتر از مخارج معمول زندگی او نیست یا حتی کمتر است. اما گاهی درآمد شخص، بیشتر از نیاز او است. در این صورت یا آن مازاد را برای آینده پس انداز می‌کند، یا آن را سرمایه‌گذاری می‌کند، یا به افراد دیگر می‌دهد. به این مقدار مازاد، خمس تعلق می‌گیرد و باید یک پنجم آن مازاد را پرداخت کند.

در حقیقت هر مالی که انسان به دست می‌آورد، یک پنجم آن متعلق خمس است، اما جهت تخفیف، مخارج یک سال از شمول خمس معاف شده و فقط خمس مازاد بر مخارج سالانه واجب است.

«سال خمس» عبارت است از سالگرد اولین روز شروع کار یا کسب درآمد. با رسیدن سال خمس (سر سال)، انسان موظف است که یک پنجم از آنچه را خرج نشده است، به عنوان خمس جدا ساخته و پرداخت نماید. چهار پنجم باقیمانده را می‌تواند تا هر زمان که مایل بود نزد خود نگهداری و با آن را سرمایه‌گذاری نماید؛ به مال خمس داده شده در سال‌های دیگر

خمس تعلق نمی گیرد^۱.

فرار از خمس: برخی افراد برای فرار از پرداخت خمس، هنگام نزدیک شدن «سال خمسی»، اقدام به خرید وسایلی می کنند که فعلاً به آنها نیاز ندارند. چنین کاری بیهوده است و خمس آنها را نیز باید پرداخت کنند. همچنین اگر شخص با خرید وسایل تجملاتی یا غیر متناسب با جایگاه اجتماعی خود، اسراف و تبذیر کند، باید خمس آن وسایل و مقدار اسراف شده را بپردازد.

تأمل

به نظر شما، انگیزه فرار برخی افراد از پرداخت خمس چیست؟
توجیهات مختلف این افراد را بررسی نمایید.

۲ مال حلال مخلوط با مال حرام: دومین مورد وجوب خمس عبارت است از «مال حلال مخلوط با حرام» به گونه ای که تفکیک آن دو از یکدیگر ممکن نباشد؛ یعنی نه مقدار مال حرام مشخص باشد و نه صاحب آن (که از طریق او مقدار آن مشخص شود یا مصالحه انجام شود). در این صورت باید خمس تمام اموال را پرداخت نمود تا استفاده از مابقی جایز شود. نمونه رایج و مبتلا به آن، در مورد افرادی است که از ابتدای سن تکلیف، حساب خمسی نداشته اند و نمی دانند چه میزان خمس بر اموال آنها تعلق گرفته است.

فعالیت کلاسی

حکم مسئله را در صورت مشخص بودن مقدار مال حرام و نامعلوم بودن صاحب آن، و نیز در صورت معلوم بودن صاحب مال و مجهول بودن میزان مال بیان کنید.

۱- به اصطلاح فقهی: الْمُخْتَمَسُ لَا يُخَمَّسُ.

بیندیشیم و پاسخ دهیم

- ۱ اگر فرد از وسیله‌ای که خریداری کرده و فعلاً مورد نیاز وی نیست برای فرار از خمس چند بار استفاده کند آیا از شمول خمس خارج می‌گردد؟
- ۲ کسی که شغل و درآمد مستمر ندارد سال خمسی خود را چگونه باید تعیین کند؟
- ۳ آیا پرداخت خمس فقط مربوط به صاحبان مشاغل آزاد است؟ آیا ممکن است به کارمند یا دانش‌آموز نیز خمس واجب شود؟ (توضیح دهید)

تحقیق کنید

۱- آیا به پول پس‌اندازشده جهت تهیه مسکن یا خرید جهیزیه خمس تعلق می‌گیرد؟ نظر مرجع تقلید خود را در این باره به دست آورید.

۲- چنین مشهور است که «هدیه خمس ندارد»؛ با مراجعه به رساله (و استفتائات) مراجع تقلید تحقیق کنید که کدام یک از مراجع آن را واجب و کدام یک مستحب می‌دانند.